

کشور ویرانه ، مردم گرسنه و...



استاد صباح



باز هم من و...

«اگر با دیدن هر بیعدالتی

پر خشم و قهر شوی

رفیق من هستی.»

چه‌گوارا

باز این دل از غمی دیرینه لبریز است
باز می‌لرزد شاخه های بیدی سرگردان
باز میریزد فرو بر چهره ام باران
باز رنجورم خداوندا پریشانم
باز میبینم که بی تابانه گریانم
باز این دنیا غم انگیز است
بهار در دهکده ما پاییز است
میدانی بهار پانیز است و مرگ شرافتها.

بباید برضد چپاولگران برخیزیم



من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه بر می خیزند.
کنفوسیوس: در این غم نباشید که چرا به فلان مقام نرسیده اید. در این فکر باشید که آیا لیاقت آن مقام را دارید. از این غم نخورید که چرا مشهور نیستید بلکه بکوشید تا شایسته شهرت شوید.
مرد بزرگ بفکر صفات خویش است و مرد پست بفکر جاه خود، اولی از اشتباه و خطای خویش می ترسد و دومی از بی مهربی دیگران.
مرد بزرگ در جستجوی حق است و مرد پست بدنبال منفعت.
من هر روز از سه جهت در خود می نگرم اول آنکه آیا در رفتار با دیگران از حکم وجدان سرنمی تابم؟ دوم آنکه آیا با دوستان از راه صدق و صفا بیرون نمی روم؟ سوم آنکه در هدایت دیگران آیا خود بخلاف آنچه تعلیم میدهم عمل نمی کنم؟

آدم های وطن ما



روزگاری بیدی را شکستند
به نامردی تبر بر ریشه اش بستند
ولی اخوس بهمانایی شکستند
که روزی زیر سیه اش می نشستند

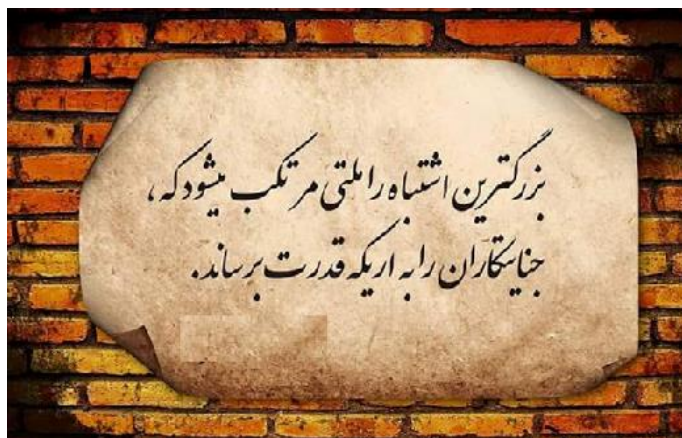
در اجتماع کنونی، آدمهای را می یابیم که متاسفانه با گذاشتن يك نقاب دروغین بر چهره واقعی خود و یا نقش بازی کردن، در کنار واقعیت ها زندگی میکنند! اما این نقاب همواره از چهره واقعی آنان برداشته میشود، چرا که چهره واقعی زیر نقاب بالاخره روزی خود نمایی خواهد کرد و حقیقت روشن خواهد شد. همچنین فردی که با شخصیت دروغین خود، زیر نقاب زندگی میکند، تنها کسی است که واقعیت امر را بخوبی میداند و از آن آگاهی کامل دارد. البته هر قدر فرد بتواند استادانه تر عمل کند، شاید بتواند خود را پنهان دارد و مردم را کماکان بفریبید! چرا که فرد تا آخرین لحظات حیات خود زیر نقاب خویش، به ایفای موفق نقش مشغول است. و این توفیق کاذب، برای او پاداشی به حساب میاید و همواره شاید برای آنان نوعی مفهوم داشته باشد، اما از نظر عموم انسانها، چنین زندگی به مفهوم واقعی زنده بودن و زندگی کردن نیست. آنان با دیگران پیوندی ندارند. آنان تنها هستند و تنها میمانند! انسانهای جفنگ که در ظاهر خود را چیز فهم میدانند اما عادت دارند، بیش از اینکه گوش دهند، صحبت میکنند. خود را وارد هر گفتگویی میکنند که با توسل به دروغ هم که شده خود را مطرح می سازند. اینان تحمل پذیرش اشتباهات خود را ندارند. خود را همواره حق به جانب میدانند. آنها پیشنهادات را رد میکنند، چرا که پذیرش آنها را نوعی فرودستی میدانند.

یکم دهه چپاولگری



در طول پانزده سال گذشته تقریباً همه کمک های خارجی فقط در کیسه ی اطرافیان و کابینه کرزی و احمدزی فرو رفت و با همین پول هاست که صلاح الدین ربانی، یونس قانونی، برادران کرزی و فهیم، رسول سیاف، خانواده مجددی و گیلانی، رحیم و فاروق وردگ، قاضی قضاات و لوی خرنوال، احدی و زاخیلوال، وزیران و والایان، دبل عبدالله و امرالله صالح، گل آغا شیرزی و وارثین حاجی قدیر، اسد الله خالد و بسم الله محمدی، عطا محمد والی بلخ و حاجی نبی و کامگار شریک پیدا و پناهش، انوری و شیخ آصف محسنی، سفیرانی وابسته به حامد کرزی اشرف احمدزی، ملا تره خیل، الله گل مجاهد و دیگران یکباره صاحب ملیاردها دالر، شهرک های خصوصی و بلدینگ ها و شرکت های تجارتي گردیدند و هر کدام خود را قدرت های مستقل در کشور میدانند و هیچ نیروی قادر به کنترل آنها نیست. همچنان بیشترین پروژه های بازسازی، امنیتی و اقتصادی موسسات بین المللی نیز در اختیار همین ها قرار دارد. اسناد افشا شدهء محرم دیپلماتیک ایالات متحده امریکا نشان می دهد که کرزی از جانب حلقهات داخلی خود ضعیف و در برخی از مواقع بی توجه به نیک و بد خوانده شده است.

چپاولگران در چپاولخانه وطن



از خانواده ی کرزی و احمدزی تا معاونانش متهم به فساد اداری بودند، اما تا هنوز کسی در پیوند با فساد اداری محاکمه نشده است. کرزی و احمدزی با اعضای خانواده و معاونانش شماری از بانک ها را تاراج کرده اند اما هیچ یک از آنان به دادگاه کشیده نشده اند. در همین حال وی موضع گیری در برابر ارتشا و فساد را در برابر وزیر مالیه قابل توجه می دانند. پس از افشای حساب های بانکی وزیر مالیه و چگونگی واریز شدن پول های بانکی به حساب وی در چند سال گذشته رییس مجلس سنا موضع گیری اداره مبارزه با فساد اداری را در برابر وزیر مالیه پرسش برانگیز می داند و از کوتاهی شورای ملی در بررسی این دوسیه انتقاد کرده اند. نمایندگان خواهان ارائه ی معلومات درست و شفاف از سوی حکومت در مورد این پول ها شده بودند: زاخیلوال باید در این مورد به مردم افغانستان پاسخگو می بود.

نیویارک تایمز می نویسد که گمرک عمده شمال در چنگ عطا محمد و گمرک سپین بولدک در چنگ جنرال عبدالرزاق قوماندان امنیه قندهار است، اما ما عمدتاً آن را سند فساد شخص زاخیلوال می دانیم چون اگر او خود در این خیانت ملوث نمی بود، هرگز سرمایه ملی به این پیمانانه وسیع توسط زیردستانش به یغما نمی رفت. این اسناد نتیجه بررسی و تحقیق هیات مشترک اداره امنیت ملی، لوی ژرنوالی و ریاست عمومی نظارت و مبارزه علیه فساد از دویندرحیرتان و تورخم و گمرک های بلخ و ننگرهار است. این تحقیق به درخواست اداره مبارزه علیه فساد اداری و فرمان ریاست جمهوری افغانستان صورت گرفته است.

مردم چگونه زنده گی می گذرانند؟؟؟



آیا؟
بنی آدم
اعضای
یکدیگرند



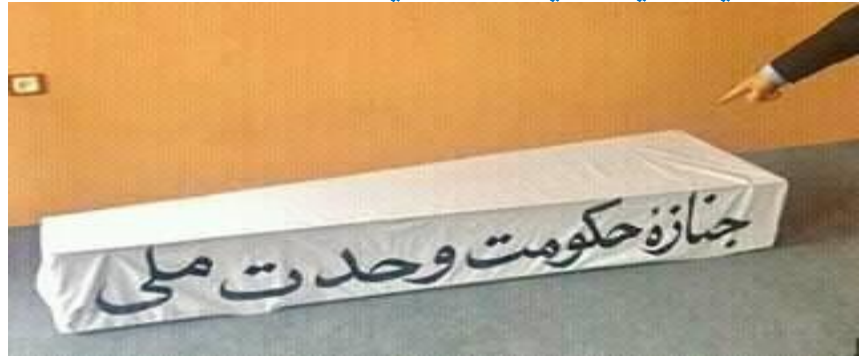
«احساس پدر»
دخترک از پدر پرسید: پدر جان چه وقت خوشحال میشوی؟
پدر گفت: وقتی لیخنه روی لبانت ببینم...
دخترک پرسید: چه وقت ناراحت میشوی؟ پدر گفت: روزی که دست خالی به خانه برگردم
دخترک گفت: پدر جان دست خالی که آمدی من میخندم تا تو خوشحال شوی.

به اساس ارقام کشورهای غربی که بسیار محتاطانه و محافظه کارانه است حدود ۴۰۰ ۰۰۰ کودک در کشور مشغول گدایی هستند و تنها در شهر کابل بیشتر از ۴۰ ۰۰۰ کودک روزانه ده ساعت به کار طاقت فرسای بدون رخصتی مصروف اند که ۲۰٪ آن را دختران و ۸۰٪ آن را پسران تشکیل می دهد. عاید روزانه اینان کمتر از یک چهارم دالر می باشد. اینان اکثراً به خرده فروشی، سگرت فروشی، ترکاری فروشی، دستگردانی و غیره روز میگذرانند و تعدادی هم به کار جمع آوری استخوان انسانها از گورستان ها و جمع آوری کاغذ و آهن باب هستند که تا حال تعداد قابل توجهی از آنان قربانی مین های ضد پرسنل شده اند.

اما از همه مصیبت بار تر وضعیت کودکانی است که در زباله های شهر سرگردان اند. اینان صبح وقت در هوای سرد زمستان در تکه های کهنه و فرسوده ی بنام لباس خود را می بیچانند و با بیقراری از وزش سرما در انتظار سطل زباله ی هستند که در کوچه ها ریخته می شود. وقتی فردی سطل زباله اش را خالی می کند با تعجب می بینی که کودکان و

سگهای ولگرد یکجا به طرف زیاله هجوم می آورند. طبعاً سگها پیشی می گیرند و کودکان با فریادها و تهدیدها به زحمت قادر می شوند سگهای گرسنه را از آنجا برانند و خود مصروف پالیدن شوند. این کشمکش به بازی روزمره کودکان و سگان مبدل شده و هر دو به آن سخت عادی شده اند. و اما کودکان در زیاله های شهر تجاوز دیده می کنند. ما چه می خواهیم؟ استخوان؟ ابداً. چون با معاش ماهوار صد هزار افغانی صرفاً می توان سه کیلو گوشت خریداری کرد.

گرسنگی و بی نانی بیداد می کند



در کشور بعضی ها از برکت سیلاب دالر صاحب شرکت های هوایی و آسمانخراش ها در دویی و سینگاپور شدند مگر خیمه نشینان این شهر با شکایت از دشواری های زندگی در فصل زمستان از دولت می خواهند آنها را کمک کنند لیکن متأسفانه دولت آنها را به باد فراموشی سپرده است و زمانی آنها را به یاد می آورد که از کشورهای خارجی بنام آنها تقاضای کمک می کند.

میوه فی چارک کمتر از ۱۲۰۰۰ افغانی نیست که به استثنای تفنگ بدستان خاین کسی توان خرید آن را ندارد. کودکان در زیاله ها صرفاً چیزهای می یابند که می توانند در سوخت از آن کار بگیرند. آمار غربی تعداد کودکان مکتب نرفته را ۴۰٪ می داند ولی رقم واقعی به مراتب بیشتر است. زیرا امروز در کابل کودک هر فامیلی اگر کار نکند باید از گرسنگی بمیرد. با معاش نان آور خانه می توان ماهانه جمعاً صد قرص نان خرید که به مشکل تنها شکم یک نفر از آنان سیر می شود. کودک باید درس نخواند و نان خشک خود را خودش کمایی نماید. و اگر شوق تحصیلی دارد یا باید آن اشتیاق را در خود بکشد و یا اینکه شبها گرسنه بخوابد.

مشکلات مردم فقیری بی بضاعت فراتر از هر مشکلی است در هر طرف که نظر افکنیم مردم را دچارابنوه مشکلات و نابسامانی های می یابیم که در زندگی خویش با آن دست و گریبان است و زندگی امروزی را با تحمل صدها رنج و مشقت به فردا می رساند، فردای نامعلوم و بی سرنوشتی. با وجود اینکه مهاجرت و زندگی در زیر چادر (خیمه) ها در هر فصل سال به خصوص در روزهای سرد زمستان مشکل است با آنهم تعدادی از خانواده ها از روی اجبار و یا هم بخاطر جلب کمک های سازمانهای امداد رسان در زیر خیمه ها زندگی می کنند. با وجود سرازیر شدن میلیاردها دالر کمک خارجی به افغانستان هنوز هم هزاران خانواده مهاجر در شهر کابل در زیر خیمه ها زندگی می کنند.

مهاجرت در داخل وطن



جنگ و نا امنی در شماری از ولایت های کشور، از جمله جنوب و شمال شرق کشور، باعث آوارگی هزاران خانواده به مناطق فقیر نشین شهر کابل و شماری از شهرهای بزرگ دیگر، شده است. گزارش ها می رساند که شماری از کودکان

آواره بر اثر سرمای شدید زمستان جان خود را از دست داده و گفته می شود که این خانواده ها از نظر اقتصادی با مشکلات زیادی روبرو هستند.

بیش از هزار دوصد فامیل در نزدیکی چهار راهی قنبر در زیر خیمه زندگی میکنند، اینها مهاجرانی هستند که طی این سالها از عدم امنیت و گاهگاهی جنگ های که در ولایات نا امن از جمله ولایت هلمند و قندهار صورت گرفت به کابل آواره و در زیر خیمه ها مسکن گزین شده اند، اگر گذری در این خیمه ها داشته و وضعیت زندگی امروزی این مهاجرین را مشاهده کنیم در میابیم که وضعیت زنده گی مهاجرین (خیمه نشین) تا به چه حد خراب است.

مردان و زنان جوان بیکار، در کنار دیوار ها نشسته و هیچ برنامه برای زندگی ندارند، تنها به کمک های که از سوی نهاد های خیریه و تاجران کشور برای شان مساعدت میگردد چشم دوخته اند، کودکانی معصومی دیده میشوند که بدون داشتن لباس مطلوب، پاپوش در چنین هوای سرد و نمناک زمستانی مشغول سرگرمی و خاک بازی اند.

همچنان در نزدیکی مرستون کابل به تعداد بیش از پنجاه فامیل دیگر در زیر خیمه ها با وضعیت مشابه روبرو هستند، در جریان صحبت های که با مردم در این کمپ داشتم همه فقط تقاضای کمک از دولت و نهادهای خیریه را مطرح میکردند و در پاسخ به هر سوالی میگفت که شما خود ببیند که ما هیچ چیز نداریم و دولت باید با ما کمک کند، منظورشان کمک های اولیه از قبیل مواد غذایی، البسه و هم ادویه بود، اما در قسمت ایجاد اشتغال و یا هم توزیع زمین جهت اسکان شان در زمین های دولتی هیچ نظری نداشتند.

اینجاست که نهاد های مسئول باید در نخست برای خیمه نشینان زمینه کار را مساعد سازد و ثابا در قسمت اسکان اینها، توزیع زمین و یا هم برگشت شان به ولایات شان اقدام گردد در غیر آن سرنوشت کنونی این مهاجرین با وضعیت محقر و خرابی که روبرو است افزایش یافته و کمکهایی که به ایشان صورت میگیرد افراد جوان مهاجرین کمپ یاد شده را به بیکاری تشویق مینماید.

چادربانوان باشرف ترانلنگي و نکتايي غني احمدزي است



ازلنگي ، ازيتوي سرشانه وازنکتايي که بخاطر وطنفروشي و معامله مي پوشند ، چادر هزار بار شرف دارد و از آدمهاي رواني ، بيمارولنگ و لاشي که هر روز در پي توطئه و خيانت روزمي گذرانند و جنایت مي افريند و بانواني که بي امان و باشهات بخاطروطن و مردمش مي رزمند ، قابل افتخار و زيب و زينت جامعه است .

این بار اول نیست که غنی چتبات میگوید و یاوه سرایی می کند و در گذشته نیز گلهای زیادی را به آب داده است. غنی، هر چند تا کنون بیشتر در حوزه مسایل دینی، مرتکب اشتباهات فاحشی شده است اما اشتباهات غیر دینی او نیز کم نیستند بگونه نمونه به چند مورد از اشتباهات آشکار او می توان اشاره کرد:

__ غنی از زمان تصدی پست ریاست جمهوری، نخستین شهید اسلام یعنی «بی بی سمیه» (رض) را، «بی بی نسیمه» و «امام حسین» (رض) را «نواسه خدا» خواند.

برای «حضرت عمر» جمله «جَلْ جلاله» را به عوض جمله «رضی الله عنه» به کار برد .

__ در سفر حج افزون بر آنکه در نماز، دست چپ اش را بر روی دست راست اش گذاشت، حتی عبارات عربی را که یکی از شیوخ عرب به او تلقین می کرد درست ادا کرده نتوانست؛ هر چند شیخ چندبار آن جملات را تکرار کرد اما نشد که نشد .

__ غنی یکبار در نماز جنازه به رکوع رفت و بار دیگر در جنازه فرمانده قول اردوی ظفر در هرات، بجای دعا برای میت، نیت نماز کرد و دستان اش را به گوش های خود گرفت؛ در حالیکه امام و مقتدیان مشغول دعاخوانی بودند .

__ غنی یکبار در حضور حسن روحانی رییس جمهور ایران، او را رییس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان خواند .
__ باری مردم را برای بارش باران، به خواندن نماز تهجد تشویق کرد.

_در جایی برای شفایابی یکی از رهبران، مردم را به خواندن نماز استسقا دعوت کرد .
_او همچنان در این اواخر در یک نشست با افسران اردو، در مورد رسانه‌ها گفت رسانه‌ها باد می‌زنند و شما بم می‌زنید.
افزون بر این رییس‌جمهور غنی گاهی از بکارگیری کلمات رکیک و خلاف عرف و ادب جامعه نیز پرهیز نکرده است؛
هرچند در خواندن و ادای درست برخی از کلمات و اصطلاحات در متن‌هایی که قرانت کرده نیز دچار اشتباه آشکار شده
است.

گرچه تاکنون سعی شده تا برای این همه اشتباهات غنی، روپوش «اشتباه لفظی» گذاشته شود اما بنظر می‌رسد که
کثرت تکرار اشتباهات او بیانگر این واقعیت است که غنی از ثبات ذهنی و تسلط فکری لازم برخوردار نیست و در
مسائل دینی و شرعی کاملاً ناآگاه است. تا جاییکه می‌توان گفت ذهن غنی با اصول و اساسات شرعی و دینی و حتی
مسائل ابتدایی دین، مانوس نیست و در این حوزه خالی‌الذهن می‌باشد.

سخنان غنی اشتباه لفظی نیست ، مشکل روانیست



عده ترین اشتباهات غنی در جریان نشست مشترک خبری با رییس‌جمهور ترکمنستان در کابل:

اشرف غنی بدلیل مصرف دوا برای مداوای پایش نهایت گیج و گنس بود.

ماشرف غنی پارها به جای اینکه ترکمنستان بگوید، از تاجکستان نام برد.

اشرف غنی بجای اینکه قربان قلی بیردی محمد اوف بگوید؛ علی قلی بیردی محمد اوف گفت.

خبرنگار را دعوت کرد اما اجازه پرسش را به آنان نداد.

ترجمان که استخدام کرده بود، کاملاً بی سواد بود و توانایی ترجمه کردن را نداشت.

وزیران حکومت اش ساکت بودند و تنها چک می‌زدند در حال که وزیران ترکمنستان مصروف نوشتن و یادداشت صحبت

های غنی شان بودند. به امید سلامتی ویا دیوانگی مطلق غنی احمدزی.

معذورت خواهی شیوه ی شده به غنی .

قبلاً نیز شرف غنی، به خاطر خطای گفتاری در یکی از بیانیته‌هایش از مردم عذرخواهی کرد.

غنی درسخن‌رانی‌اش به مناسبت روز عاشورا به گونه اشتباهی امام حسین را به جای نواسه پیامبر نواسه خدا عنوان

کرد. این مسئله واکنش‌های شماری از مردم را در برگیرنده‌های اجتماعی برانگیخته بود.

اگر بند نکنم بچه آدم نباشم.

بچه خر! افغانستان در قرن ۱۳ بر نمی‌گردد.

اشتباه خواندن شعر اقبال لاهوری در پاکستان.

بسیاری از مردم به این باور هستند که پرخاش‌گری و عصبیت غنی زبینه کسی که ادعای زعامت و رهبری را دارد،

نیست. اشرف‌غنی در جای یک‌فرد و شهروند عادی قرار ندارد که بشود با مهملاتی که چیزنویسانش در فضای مجازی

تلاش می‌کنند، سخنان او را تحریف شده بخوانند و دیگران را به سوء تعبیر کردن حرف‌های غنی متهم کنند و او را

تبرئه نمایند. این ادبیات از آدرس مهم‌ترین مقام حکومت، می‌تواند کارد آن ریش و بروتی‌های را که در مقام به اصطلاح

مردانگی زنان را در پستوی هزار تایی تیره ببرند و خویش بغرند و بروی زنان شمشیر بکشند.

کابل و عربستان افغانان را به جنگ یمن می‌فرستد

(گلبدین درمشوره با ارگ بخاطرا عزام جنگجویان به عربستان رفته است)



منابع امنیتی گزارش می دهند که هزاران تن از افغان ها برای جنگ های نیابتی در حمایت از عربستان سعودی به یمن فرستاده شده اند. اما به دلایل حمایت افغانستان از عربستان سعودی این موضوع رسانه ای نشده است.

پیش از این در بیستم جنوری سال ۲۰۱۶ میلادی پی بی سی در گزارشی از فرستاده شدن صدها تن از افغان ها به جنگ یمن خبر داده بود، با یک تن از افرادی که هفت عضو خانواده اش به یمن برای جنگ با حوثی ها رفته بود، مصاحبه شده بود. وی اظهار کرده بود که افغان ها به بهانه زیارت حج به عربستان فرستاده شده و بعد از آن برای اشتراک در جنگ یمن به این کشور رفته اند. وی در این مصاحبه خویش گفته بود از روستای محل زندگی شان بیش از ۵۰ تن به این کشور عربی اعزام شده اند. وی ثبت نام کرده است تا به جنگ عربستان علیه یمن فرستاده شود، به او گفته شده بود که قبله مسلمانان در عربستان با خطر مواجه شده است.

این گزارش با آنکه عواقب خطرناک این جنگ نیابتی را برملا ساخته بود از سوی دولت افغانستان نادیده گرفته شد و عبدالله عبدالله رییس اجرایی نیز با نشر اعلامیه حمایت دولت را از عربستان در جنگ یمن اعلام کرد.

اکنون که بحث جنگویان افغانستان در جنگ های نیابتی در یمن بالا گرفته است، هزاران تن از ولایت های چون ننگرهار، کنړ و دیگر ولایات جنوبی توسط ملایان تحت حمایت عربستان در افغانستان ثبت نام و به جنگ یمن و سوریه فرستاده می شوند. این منبع اطلاعاتی گفته است که علاوه براین، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار نیز صدها تن از جنگویانش را در جنگ سوریه، عراق و یمن فرستاده است. به نقل از این منبع اطلاعاتی؛ پیش از اینکه گلبدین حکمتیار به پروسه صلح بپیوندد با ابوبکر البغدادی بیعت کرده بود و صدها تن از جنگویانش را برای حمایت از داعش در سوریه و عراق فرستاده بود. این در حالیست که در تاریخ هفتم آپریل سال ۲۰۱۵ میلادی یکی از سخنگویان حزب اسلامی گفته بود، حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار اعلام کرده که آماده است صدها نفر از اعضای گروهش را برای حمایت از عربستان سعودی به یمن بفرستد. در اوایل سال ۱۳۹۴ نیز ریاست جمهوری در حمایت از عربستان در جنگ یمن با انتشار بیانیه ای گفته بود افغانستان در دفاع از سرزمین مقدس حرمین شریفین با تمام نیرو در کنار دولت و مردم برادر و مسلمان کشور عربستان سعودی، در صورت بروز هر نوع تهدید قرار دارد.